

تأثیر تخصص در صنعت، دوره تصدی حسابرسی و استقلال حسابرسی بر هزینه حقوق صاحبان سهام

آسیه فرازنده نیا^۱، حسن چناری^۲

چکیده

هدف از این پژوهش، مطالعه تأثیر برخی ویژگی‌های کیفیت حسابرسی بر هزینه حقوق صاحبان سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. اطلاعات مورد نیاز برای این پژوهش از صورت‌های مالی ۸۰ شرکت در دوره زمانی ۱۳۹۵-۱۳۹۰ گردآوری شده است. در این پژوهش، کیفیت حسابرسی از طریق معیارهای تخصص حسابرسی در صنعت، دوره تصدی حسابرسی، استقلال حسابرسی و اندازه مؤسسه حسابرسی و هزینه حقوق صاحبان سهام از نسبت سود به قیمت تعدیل‌شده صنعت استفاده شده است. یافته‌های حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که بین ویژگی‌های کیفیت حسابرسی و هزینه حقوق صاحبان سهام، ارتباط معکوس و معناداری وجود دارد. به عبارت بهتر، افزایش کیفیت حسابرسی منتهی به کاهش هزینه حقوق صاحبان سهام می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تخصص حسابرسی، کیفیت حسابرسی، هزینه حقوق صاحبان سهام.

بیان مسئله

امروزه شفافیت و کیفیت مطلوب اطلاعات مالی که مبنای اتخاذ تصمیم‌های بهینه اقتصادی سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و در حالت کلی، استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری است، دارای اهمیت ویژه‌ای است. براساس نظریه نمایندگی، مدیران به اطلاعات محرمانه و درون‌سازمانی درباره سود مورد انتظار و زمان‌بندی پرداخت برای پروژه‌ها و طرح‌های سرمایه‌گذاری دسترسی دارند (لامبرت^۳، ۲۰۰۱). باوجود

این، مدیران می‌توانند تصمیم‌های بالقوه‌ای اتخاذ کنند که در راستای منافع سهامداران نباشد (جنسن^۴ و مک‌لینگ^۵، ۱۹۷۶). حسابرسان مستقل و فرآیند حسابرسی، نقش گواهی‌دهندگی و تأییدکنندگی برای واحدهای تجاری دارند و همچون میانجی بین مدیران و سهامداران عمل می‌کنند (سجادی و ناصح، ۱۳۸۲). چاو^۶ (۱۹۸۲) در پژوهشی به این نتیجه رسید که احتمال درگیری حسابرسی، زمانی افزایش می‌یابد که

zfarazandehnia@gmail.com

ha_chenari@yahoo.com

3. Lambert, R.

4. Jensen, M.

۱. دانشجوی دکتری گروه حسابداری، واحد فیروزکوه، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،

۲. گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،

5. Meckling, W.

6. Chow, C.

را بیشتر دریافته‌اند (عرب‌صالحی و همکاران، ۱۳۹۰)؛ چراکه کیفیت بالای حسابرسی، عنصر مرکزی بازار سرمایه فعال است (اسکینر^۲ و اسرینیواسان^۳، ۲۰۱۱). بسیاری از پژوهش‌گران، مانند استاکز^۴ و همکاران (۲۰۰۹)، احمد و همکاران (۲۰۰۸) و فرناندو^۵ (۲۰۰۷) و فرناندو و همکاران (۲۰۰۸) بیان کرده‌اند که کیفیت بالای حسابرسی هزینه حقوق صاحبان سهام شرکت‌ها را کاهش می‌دهد و از آن‌جا که متخصص بودن حسابرسان در صنعت به‌عنوان یکی از شاخص‌های کیفیت حسابرسی مطرح شده است (گال^۶ و همکاران، ۲۰۰۹)، می‌تواند باعث کاهش هزینه سرمایه و نیز نرخ بهره تأمین مالی شرکت از طریق استقراض شود (کارجالاین^۷، ۲۰۱۰). بنابراین، هرچه هزینه حقوق صاحبان سهام از طریق کاهش هزینه نرخ بهره کاهش یابد، ارزش شرکت و به تبع آن، ثروت سهامداران (ارزش آفرینی) افزایش می‌یابد (عزیزخانی^۸ و همکاران، ۲۰۱۵).

کیفیت حسابرسی

در ادبیات حسابداری، تعاریفی از کیفیت حسابرسی مطرح شده است. همچنین شایان ذکر است که اغلب، کیفیت حسابرسی در ارتباط با میزان رعایت استانداردهای حسابرسی مربوط تعریف می‌شود. صاحب‌نظران حسابداری، جنبه‌های متنوعی برای کیفیت حسابرسی بیان کرده‌اند که منتهی به تعاریف متفاوتی از نظر ظاهری شده است. عام‌ترین تعاریف از کیفیت حسابرسی عناصر زیر را شامل می‌شوند (مرادزاده‌فرد و همکاران، ۱۳۹۱):

- الف- احتمال وجود اشتباهات عمده در صورت‌های مالی که حسابرسان بتواند آن‌ها را کشف و گزارش کند.
- ب- احتمال این‌که حسابرسان برای صورت‌های مالی حاوی اشتباهات بااهمیت، گزارش مشروط صادر نکند.
- پ- دقت اطلاعاتی که حسابرسان درباره آن گزارش صادر کرده است.
- ت- مقیاسی برای توان حسابرسان در کاهش اشتباهات

تعارض بین سهامداران شرکت بالا است. یافته‌های حاصل از پژوهش اوین و همکاران (۱۹۸۸) به نقل از بادآور نهندی و تقی‌زاده خانقاه (۱۳۹۲) نشان داد که تقاضا برای کیفیت بالای حسابرسی زمانی زیاد است که هزینه‌های نمایندگی افزایش می‌یابد. بنابراین، افزایش کیفیت حسابرسی نابرابری اطلاعاتی را بین مدیران مطلع و سایر استفاده‌کنندگان غیرمطلع به‌طور قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌دهد و در نتیجه، تصمیم‌های سرمایه‌گذاری شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهد (بادآور نهندی و تقی‌زاده خانقاه، ۱۳۹۲). باتوجه به این‌که واحدهای اقتصادی همواره در راستای افزایش ارزش شرکت و ثروت سهامداران، به دنبال کاهش هزینه حقوق صاحبان سهام خود هستند، می‌توانند با ارائه صورت‌های مالی که با کیفیت بالا حسابرسی شده‌اند به اهداف خود دست یابند؛ چراکه بدون انجام حسابرسی یا انجام حسابرسی با کیفیت پایین، سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان خارج از شرکت نسبت به اطلاعات تهیه‌شده از سوی مدیریت شک خواهند کرد و بنابراین، یا سرمایه‌گذاری نمی‌کنند و یا به دلیل پذیرش مخاطره، نرخ بازده بسیار بالایی را خواستار می‌شوند (احمد^۱ و همکاران، ۲۰۰۸؛ حاجیها و سبحانی، ۱۳۹۲).

هدف اصلی پژوهش حاضر، مطالعه ارتباط کیفیت حسابرسی (تخصص در صنعت، دوره تصدی حسابرسی و استقلال حسابرسان) با هزینه حقوق صاحبان سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در ادامه این مقاله، ابتدا مبانی نظری و تبیین فرضیه‌های پژوهش حاضر، پیشینه پژوهش، روش‌شناسی پژوهش، آزمون فرضیه‌ها و در انتهای مقاله نیز بحث و نتیجه‌گیری و پیشنهادها حاصل از یافته‌های پژوهش ارائه خواهد شد.

مروری بر پیشینه تحقیق

با رشد رقابت در حرفه حسابرسی، مؤسسات حسابرسی، ضرورت ارائه خدمات خود با کیفیت هرچه بهتر به بازار

1. Ahmed, A. S.
2. Skinner, D. J.
3. Srinivasan, S.

4. Stokes, D.
5. Fernando, G. D.
6. Gul, F. A.

7. Karjalainen, J.
8. Azizkhani, M.

مشارکت مؤسسه حسابرسی به کار گرفته و تحصیل می شود و می تواند ارزش افزوده ای را برای کسب و کار صاحب کاران خود داشته باشد. (کند، ۲۰۰۸)

موارد فوق را می توان به طور خلاصه این گونه بیان کرد: تخصص حسابرسی در صنعت، شامل خلق ایده های سازنده برای کمک (ارزش آفرینی) به صاحب کاران، و نیز فراهم کردن رویکردها یا راهکارهای نوین برای برخی از مسایلی است که صاحب کاران در صنایع مربوط به خود با آن مواجه می شوند. از آن جا که حالات مختلف تخصص حسابرسی در صنعت به طور مستقیم مشاهده پذیر نیست، پژوهش های پیشین شاخص های مختلفی را برای تخصص حسابرسی در صنعت به کار گرفته اند. رویکردهای سهم بازار و سهم پرتفوی، اغلب به عنوان شاخص هایی برای تخصص حسابرسی در صنعت به کار گرفته می شوند.

رویکرد سهم بازار

رویکرد سهم بازار، یک حسابرسی متخصص صنعت را به عنوان یک مؤسسه حسابرسی که خود را از سایر رقبا از نظر سهم بازار در یک صنعت خاص متمایز کرده است، معرفی می کند. در این رویکرد، فرض بر این است که با مشاهده سهم نسبی بازار مؤسسه های حسابرسی که به یک صنعت خاص ارائه خدمت می کنند، می توان به میزان دانش تخصص صنعت مؤسسه حسابرسی پی برد. برای مثال، براساس این رویکرد، سازمان حسابرسی در صنعت خودرو در ایران متخصص است. مؤسسه ای که سهم بزرگ تری از بازار را در اختیار دارد، دارای دانش تخصصی بالاتری در مورد آن صنعت خاص است. به علاوه، سهم معنادار بازار در یک صنعت بیانگر سرمایه گذاری معنادار است که در مؤسسه های حسابرسی در توسعه فن آوری های حسابرسی خاص صنعت صورت گرفته است، طوری که انتظار می رود مزایای ناشی از بهبود کیفیت حسابرسی و صرفه ی اقتصادی (صرفه جویی های ناشی از مقیاس تولید انبوه)، افزایش یابد.

و تحریف های جانبدارانه و بهبود کیفیت داده های حسابداری پژوهش های حسابداری بیان کرده اند که ساختار مؤسسه حسابرسی نیز بر کیفیت حسابرسی مؤثر است. براساس این پژوهش ها، کیفیت حسابرسی در مؤسسه هایی که ساختار قوی تری در استفاده از روش های حسابرسی دارند، با سایر مؤسسه ها تفاوت دارد. ادغام مؤسسه های حسابرسی و یکسان شدن روش های مورد استفاده در مؤسسه های مختلف، این فرضیه ها را کم اهمیت ساخته است. سایر پژوهش گران نیز این نظریه را مطرح کرده اند که به طور کلی، ارتباط مستقیمی بین کیفیت حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی وجود دارد و اگر مؤسسه های بزرگ تر حق الزحمه های بیشتری به صاحب کار تحمیل می کنند، به این معنا است که کیفیت خدمات حسابرسی آن ها مطلوب تر است. مطالعات، این فرضیه را نیز مطرح کرده اند که مؤسسه های بزرگ تر، به دلیل تجربه بیشتر و ساختار مناسب تر، می توانند بخشی از صرفه اقتصادی خود را به مشتری تحمیل کنند و حق الزحمه کمتری از صاحب کار دریافت دارند (میر^۱ و ریگز^۲، ۲۰۰۷).

تخصص حسابرسی در صنعت

در مطالعه ای که تنها به منظور درک این مفهوم انجام گرفت، تخصص حسابرسی در صنعت به شرح زیر تعریف شد: الف- دانش خاص یک صنعت که از طریق یک مؤسسه حسابرسی در راستای کمک به فهم بهتر از آن چه صاحب کاران در آن صنعت انجام می دهند و مخاطره های حسابرسی که آن ها با آن مواجه اند، به کار گرفته می شود.

ب- مهارت های خاص حسابرسی که یک مؤسسه حسابرسی برای کمک به صاحب کاران خود از طریق فراهم کردن راه کارهایی (حسابداری و انواع دیگر) برای مقابله با مسایل صنعت مورد نظر و نیز مخاطره های حسابرسی (مثل قوانین، انواع مالیات و غیره) ایجاد می کند.

پ- مهارت های خاص غیر حسابرسی که از طریق

1. Meyer, M. J.

2. Rigs, John T.

3. Kend, M.

رویکرد سهم پرتفوی

رویکرد سهم پرتفوی، توزیع نسبی خدمات حسابرسی را در صنایع مختلف برای هر مؤسسه حسابرسی مد نظر قرار می‌دهد. به بیانی ساده، هر مؤسسه حسابرسی دارای صاحب‌کارانی است که پرتفوی آن مؤسسه را شکل می‌دهند. صنعتی که صاحبکاران بیشتری (از لحاظ فروش، مجموع دارایی‌ها و ...) را در پرتفوی مربوط تشکیل می‌دهد، بیان‌گر صنعتی است که مؤسسه حسابرسی در آن دارای تخصص است. این رویکرد، بیشتر به راهبردهای مؤسسه حسابرسی مربوط است. صنایع صاحب‌کار مؤسسه حسابرسی با بیشترین سهم پرتفوی، بیان‌گر صنایعی هستند که مؤسسه‌های حسابرسی دانش پایه‌ای معناداری را در ارتباط با آن صنایع ایجاد کرده‌اند و سهم بزرگ پرتفوی، بیان‌گر این است که سرمایه‌گذاری معناداری از سوی مؤسسه‌های حسابرسی در توسعه فن‌آوری‌های حسابرسی مربوط به آن صنعت صورت گرفته است. با به‌کارگیری این رویکرد، احتمالاً مؤسسه‌ها بیشترین منابع را برای توسعه دانش خاص صنعت اختصاص داده‌اند، حتی اگر آن‌ها سهم عمده بازار را در آن صنعت در اختیار نداشته باشند. رویکرد سهم پرتفوی، برخلاف رویکرد سهم بازار، مزیت نسبی بر سایر حساب‌رسان را در تعیین تخصص حسابرس در صنعت دخالت نمی‌دهد. به‌طور خلاصه، رویکردهای فوق در قالب معیارهای زیر نمایان می‌شوند، اما باید توجه داشت که این معیارها، اغلب انواع مختلفی از رویکرد سهم بازارند، براساس این فرض که تخصص صنعت از طریق شهرت در محیط‌های مشابه حاصل می‌شود و حجم وسیع (تعداد زیاد) مؤسسه‌های تجاری در یک صنعت بیان‌گر تخصص صنعت هستند. با این حال، سهم بازار، به‌عنوان معیاری از تخصص، دارای چندین محدودیت است. برای مثال، مشخص نیست که فواید متخصص شدن حسابرس در یک صنعت از حسابرسی تعداد زیادی از صاحب‌کاران به‌دست می‌آید یا از تعداد کمی از صاحب‌کاران بزرگ. برای خاطرنشان ساختن این کمبودها، از چند شاخص موجود در ادبیات مربوط با این موضوع بهره گرفته می‌شود. این معیارها شامل سهم مستمر بازار و متغیرهای مجازی می‌شود که نشان‌دهنده

سهمی عمده در بازار/تسلط صنعت است (بال‌سام و همکاران، ۲۰۰۳).

براساس معیار اول، متخصص صنعت این‌گونه تعریف می‌شود: بزرگ‌ترین مؤسسه در هر صنعت، همچنین دومین و سومین مؤسسه بزرگ در صنایعی که تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای بین دومین و سومین یا سومین و بقیه مؤسسه‌ها وجود دارد. باید توجه داشت که براساس این معیار، میزان فروش صاحب‌کاران مؤسسه‌های حسابرسی ملاک اندازه‌گیری قرار می‌گیرد. برای مثال، اگر شرکت ایران‌خودرو را بزرگ‌ترین فروشنده صنعت خودروی کشور تصور کنیم، آنگاه مؤسسه رسیدگی‌کننده آن (در سال‌های اخیر، سازمان حسابرسی)، به‌عنوان بزرگ‌ترین مؤسسه در صنعت خودرو شمرده می‌شود. معیار دوم، تخصص حسابرس در صنعت را از لحاظ تسلط صنعت تعریف می‌کند. این تعریف محدودکننده‌تر از معیار اول است. هنگامی حسابرس به‌عنوان متخصص صنعت در نظر گرفته می‌شود که بزرگ‌ترین ارائه‌دهنده خدمات در صنعت باشد و تفاوت بین اولین و دومین مؤسسه (از لحاظ آرایه خدمات) در صنعت، حداقل ۱۰ درصد مؤسسه سوم باشد. برای تخصص صنعت، از سهم مستمر بازار بر مبنای میزان فروش صاحب‌کاران استفاده می‌شود.

معیار سوم از تعداد صاحب‌کاران به‌عنوان مینا بهره می‌گیرد. استفاده از چنین مبنایی از یک‌سونگری حاصل از صاحب‌کاران بزرگ که با به‌کارگیری فروش به‌عنوان مینا پدید می‌آید، اجتناب می‌کند. بنابراین، در وضعیت‌هایی که یک حسابرس دارای تعدادی صاحب‌کار کوچک در یک صنعت است، از این معیار استفاده می‌شود.

معیار چهارم، متخصص صنعت را آن مؤسسه حسابرسی می‌داند که دارای بیشترین تعداد صاحب‌کار در یک صنعت خاص باشد.

معیار پنجم، از سهم بازار استفاده می‌کند که مبتنی بر تعداد صاحب‌کاران است و نه حجم فروش صاحب‌کاران. یکی از موضوع‌های کشف‌نشده در ادبیات پژوهش پیرامون تخصص حسابرس در صنعت، این است که آیا روابط غیرخطی

بین تخصص حسابرسی در صنعت و پیامد مورد نظر وجود دارد یا خیر؟

اگرچه معمولاً دانش در یک صنعت از طریق تکرار به دست می‌آید، ممکن است قبل از دست‌یابی به سطوح دانش صنعت، منافع ناشی از آن حاصل شود. کم شدن بازده ناشی از انباشت تخصص صنعت، ممکن است در برخی از سطوح بالای تخصص بروز کند. با این حال، هرچه سهم بازار حسابرسی بیشتر باشد، تخصص صنعت و تجربه حسابرسی نسبت به سایر رقبا، بالاتر خواهد بود. همچنین، داشتن سهم بزرگی از بازار (سهم غالب بازار)، مؤید این است که حسابرسی به طور موفقیت‌آمیزی خود را از سایر رقبا از لحاظ کیفیت حسابرسی متمایز می‌کند.

برای حفظ و رعایت دیدگاه‌های مدیریت صاحب کار می‌شود؛ وضعیتی که استقلال و بی‌طرفی او را مخدوش می‌کند. در مقابل، مخالفان تغییر اجباری حسابرسی معتقدند تلاشی که حسابرسان در راستای حفظ اعتبار و شهرت خود به کار می‌گیرند، مانع از رفتارهای نامناسب حسابرسان می‌شود. حسابرسان با گذشت زمان، شناخت جامع‌تری از سیستم کلی فعالیت‌های صاحب کار کسب می‌کنند و توانایی آنان در قضاوت درباره مناسب بودن یا نبودن رویه‌های حسابداری و گزارشگری افزایش می‌یابد. بنابراین، ارتباط درازمدت حسابرسی و صاحب کار کیفیت حسابرسی را بهبود می‌بخشد (چن^۲ و همکاران، ۲۰۰۹).

استقلال حسابرسی

استقلال حسابرسی معمولاً به عنوان استقلال حرفه‌ای توصیف و مطرح شده است؛ یعنی برحسب عینیتی که حسابرسی از موقعیت در کار حسابرسی به عنوان یک فرد حرفه‌ای به دست می‌آورد و روشی که او برای گردآوری، ارزیابی و گزارش‌گری به کار می‌گیرد. همچنین، حسابرسی بر اساس روشی بی‌طرفانه انجام می‌پذیرد و این موضوع به طور سنتی به عنوان حالتی از ذهن که به مفهوم نگرش حسابرسی به روابط موجود با مدیریت صاحب کار، سهامداران و سایر ذی‌نفعان و استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی است، تصور شده است (موتز و شرف، ۱۹۶۱). به این ترتیب، در هر موقعیت برای انجام حسابرسی، این سؤال مطرح می‌شود که آیا حسابرسی، از نظر ذهنی، مستقل از مدیریت صاحب کار و فشارهای وارد به او هنگام تصمیم‌گیری‌های حسابرسی عمل کرده است یا خیر؟

فلینت (۱۹۸۸) به نقل از پاکروان (۱۳۹۰) با این نگرش در مورد این موقعیت حسابرسان موافق است که استقلال حسابرسی یک نگرش ذهنی است و آن را به ویژگی‌های فردی، یعنی درست‌کاری و قدرت شخصیت وی پیوند می‌دهد. با این همه، نسبت دادن مفهوم استقلال حسابرسی به

دوره تصدی حسابرسی

حسابرسان مستقل، به دلیل اعتبار بخشیدن به صورت‌های مالی منتشر شده از سوی شرکت‌های سهامی عام و در نتیجه، کاهش مخاطره اطلاعات، نقش به سزایی در بازار سرمایه ایفا می‌کنند (کرباسی یزدی و همکاران، ۱۳۹۳). حرمت و ارزش این نقش حسابرسی بستگی زیادی به ماهیت شهادت‌دهی حسابرسان دارد. استدلال می‌شود که رابطه درازمدت حسابرسی و صاحب کار ممکن است باعث سهل‌انگاری و قصور حسابرسی در انجام نقش شهادت‌دهی خود شود. ضعف استقلال حسابرسی نیز موضوع مهمی است که نگرانی زیادی به همراه دارد. راهکار پیشنهادی برای رفع این نگرانی، چرخش اجباری حسابرسان است. به همین دلیل، چرخش اجباری حسابرسان این اواخر در محافل حقوقی و قانونی توجه زیادی را به خود جلب کرده است (لی^۱، ۲۰۱۰).

حامیان تغییر حسابرسی، بر این باورند که در صورت تغییر اجباری، حسابرسان در موقعیتی قرار می‌گیرند که قادر خواهند بود در مقابل فشارها و خواسته‌های مدیران مقاومت کنند و قضاوت‌های بی‌طرفانه‌ای را اجرا کنند. حضور درازمدت حسابرسی در کنار یک صاحب کار موجب ایجاد تمایلاتی

کیفیت حسابرسی و هزینه حقوق صاحبان سهام

ارتباط بین کیفیت اطلاعات و هزینه حقوق صاحبان سهام، یکی از اساسی‌ترین اصول در مالیه و حسابداری است. به دلیل عدم تقارن اطلاعاتی ناشی از تفکیک مالکیت از مدیریت، هزینه‌های انتخاب معکوس بین خریداران و فروشندگان سهام شرکت ایجاد می‌شود و باعث کاهش نقدشوندگی سهام شرکت می‌شود. برای غلبه بر عدم رغبت سرمایه‌گذاران در نگهداری سهام شرکت در یک بازار فقدان نقدینگی، شرکت باید سهام خود را به کسر منتشر کند که به عایدات کمتر و در نتیجه افزایش هزینه حقوق صاحبان سهام منتهی می‌شود. برای کاهش هزینه حقوق صاحبان سهام، مدیران باید:

الف- سطح افشای قابل اطمینان را افزایش دهند.

ب- سیستم راهبری را بنیان نهند که شفافیت و نظارت بر عملیات مدیران را امکان‌پذیر می‌سازد.

پ- حسابرسان با کیفیت بالای خدمات را مانند متخصص در صنعت، مستقل استخدام کنند.

در بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده در سطوح بین‌المللی، یافته‌ها مؤید آن است که هزینه حقوق صاحبان سهام تحت تأثیر کیفیت حسابرسی قرار می‌گیرد (عزیزخانی و همکاران، ۲۰۱۵)، خورانا^۱ و راما^۲ (۲۰۰۴) در پژوهشی که انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که بزرگ بودن مؤسسه حسابرسی از لحاظ اندازه، به طور معناداری باعث کاهش هزینه حقوق صاحبان سهام نسبت به شرکت‌هایی می‌شود که از طریق مؤسسات حسابرسی بزرگ، حسابرسی نشده‌اند. عزیزخانی و همکاران (۲۰۱۵)، در پژوهشی به مطالعه ارتباط دوره تصدی حسابرسان و هزینه حقوق صاحبان سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار استرالیا پرداختند. یافته‌های حاصل از پژوهش، بیانگر آن است که بین دوره تصدی حسابرسان و هزینه حقوق صاحبان سهام ارتباطی معکوس و معنادار وجود دارد. کریشنا^۳ و همکاران (۲۰۱۳)، در پژوهشی به مطالعه تخصص حسابرسان در صنعت و هزینه

یک ویژگی ذهنی نامحسوس، آن را تبدیل به عبارت نسبتاً گنگی می‌کند که در رابطه با کار حسابرسی تفسیر آن پیچیده و مشکل است. اما دست کم یک توافق عمومی وجود دارد که استقلال نگرشی از ذهن است که اجازه نمی‌دهد دیدگاه‌ها و نتیجه‌گیری‌های حسابرسی، اثرها و فشارهای ناشی از تضاد منافع افراد را شامل شود و همواره حسابرسان باید آیین رفتار حرفه‌ای را در نظر داشته باشد. در این مفهوم، استقلال مورد انتظار حسابرسان را می‌توان نه تنها به عنوان حالتی از ذهن، بلکه حالتی از اطمینان تصور کرد که مربوط به رفتار یک فرد حرفه‌ای و فشارهای مختلف و ممکن بر درست‌کاری و صداقت وی باشد. در نتیجه، ضروری است که تصور کنیم حسابرسان از تأثیر این فشارها به دورند و راه‌هایی وجود دارد که در مقابل آن پافشاری کنند و می‌توانند وضعیت استقلال مورد انتظار را حفظ کنند (پاکروان، ۱۳۹۰).

هزینه حقوق صاحبان سهام

هزینه حقوق صاحبان سهام، عبارت است از حداقل نرخ بازدهی که شرکت باید به دست آورد تا بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاران در شرکت تأمین شود. در صورتی که بازده مورد انتظار از هزینه حقوق صاحبان سهام کمتر باشد، ارزش واحد تجاری کاهش خواهد یافت. بنابراین، مدیریت برای حفظ ارزش واحد تجاری باید تلاش کند تا بازده مورد انتظار را حداقل به سطح هزینه حقوق صاحبان سهام برساند. بازده مورد انتظار سهامداران تحت تأثیر مخاطره اطلاعات قرار دارد و مخاطره اطلاعات به میزان اطلاعات شخصی، اطلاعات عمومی و شفافیت اطلاعات بستگی دارد؛ به گونه‌ای که هرچه شفافیت اطلاعات ارایه‌شده کمتر باشد، افزایش صرف مخاطره ناشی از شرایط ابهام و بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاران بالاتر می‌رود. سهامداران نیز در تعیین نرخ بازده مورد انتظار خود بر صورت‌های مالی شرکت اتکا می‌کنند. بنابراین، قابلیت اتکای صورت‌های مالی گزارش‌شده در برآورد بازده مورد انتظار سهامداران مؤثر است (محمودی خاتمی، ۱۳۹۰).

1. Khurana, I.

2. Raman, K.

3. Krishnan, J.

خدمای پور و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی تأثیر ویژگی‌های کیفی حسابرسی بر هزینه حقوق صاحبان سهام پرداختند. یافته‌های حاصل از پژوهش آنان نشان می‌دهد که بین اندازه مؤسسه حسابرسی و هزینه حقوق صاحبان سهام ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، نتایج پژوهش مؤید این است که بین دوره تصدی حسابرسان و هزینه حقوق صاحبان سهام، ارتباط منفی وجود دارد. ولی این رابطه از لحاظ آماری معنادار نیست. حاجیها و سبحانی (۱۳۹۲) درباره تأثیر کیفیت حسابرسی بر هزینه سرمایه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی کردند.

یافته‌های حاصل از پژوهش نشان داد که اندازه مؤسسه حسابرسی و تداوم همکاری بین مؤسسه حسابرسی و صاحب کار رابطه معکوس و معناداری با هزینه سرمایه شرکت دارند. به عبارتی، کیفیت حسابرسی باعث کاهش هزینه سرمایه شرکت‌های تولیدی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌شود. علوی طبری و بذرافشان (۱۳۹۲)، «کیفیت سود: شواهدی از نقش دوره تصدی حسابرسان و تخصص در صنعت» را بررسی کردند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، زمانی که حسابرسان متخصص نیست، با افزایش دوره تصدی، میزان ارقام تعهدی اختیاری افزایش و کیفیت سود کاهش می‌یابد. در حالی که چنانچه حسابرسان متخصص باشد، با افزایش دوره تصدی، کیفیت سود افزایش می‌یابد. این یافته‌ها بیانگر این است که روابط طولانی مدت حسابرسان و صاحب کار در صورتی که حسابرسان متخصص باشد، نگران کننده نخواهد بود. حاجیها و سبحانی (۱۳۹۲)، در پژوهشی به بررسی تأثیر تخصص حسابرسان در صنعت بر هزینه سرمایه و نرخ بهره استقراض شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های حاصل از پژوهش آنان نشان داد که شرکت‌هایی که حسابرسان آنها متخصص در صنعت است، دارای هزینه سرمایه و نرخ بهره کمتری نسبت به شرکت‌هایی هستند که از حسابرسان متخصص در صنعت بهره نمی‌برند. باتوجه به مبانی نظری مطرح شده، فرضیه اصلی پژوهش

حقوق صاحبان سهام پرداختند. یافته‌های حاصل از پژوهش آنها بیانگر این است که با تغییر حسابرسان از غیرمتخصص به متخصص در صنعت مربوط، هزینه حقوق صاحبان سهام به طور معناداری کاهش می‌یابد.

وانگ^۱ (۲۰۱۱)، رابطه بین تخصص حسابرسان در صنعت و افزایش حق الزحمه حسابرسی را در نیوزلند بررسی کرده است. یافته‌های پژوهش وی نشان داد که تخصص در صنعت تأثیری در حق الزحمه حسابرسی ندارد، به این معنا که متخصص بودن حسابرسان در یک صنعت خاص، ارتباطی با افزایش حق الزحمه حسابرسی در نیوزلند ندارد. کارجالاین (۲۰۱۰)، رابطه کیفیت حسابرسی و هزینه بدهی را در شرکت‌های سهامی خاص در فنلاند بررسی کرد. یافته‌های پژوهش وی نشان می‌دهد که حسابرسان چهار مؤسسه حسابرسی بزرگ و حسابرسی‌های مشترک با بیش از یک حسابرسان مسئول با کاهش هزینه بدهی ارتباط دارند. همچنین، شرکت‌هایی که دارای گزارش حسابرسی مشروط و کیفیت پایین ارقام تعهدی هستند، هزینه بدهی بالایی دارند.

فرناندو و همکاران (۲۰۱۰)، در پژوهشی به بررسی ارتباط بین ویژگی‌های کیفیت حسابرسی، اندازه شرکت و هزینه حقوق صاحبان سهام پرداختند. در این پژوهش دوره تصدی، اندازه مؤسسه حسابرسی و تخصص حسابرسان در صنعت به عنوان معیارهای کیفیت حسابرسی در نظر گرفته شده بود. یافته‌های حاصل از پژوهش آنها بیانگر این است که بین اندازه مؤسسه حسابرسی، دوره تصدی حسابرسان و تخصص حسابرسان در صنعت با هزینه حقوق صاحبان سهام ارتباطی معکوس و معنادار وجود دارد.

گال و همکاران (۲۰۰۹)، درباره تأثیر تخصص حسابرسان در صنعت بر رابطه بین دوره ابقای حسابرسان و کیفیت سود مطالعه کردند. یافته‌های پژوهش آنان نشان می‌دهد که رابطه بین دوره کوتاه مدت ابقای حسابرسان و کیفیت ضعیف تر سود برای صاحب کارانی که از سوی حسابرسان متخصص صنعت رسیدگی می‌شوند، نسبت به سایرین ضعیف تر است.

به شرح زیر است:

بین کیفیت حسابرسی و هزینه حقوق صاحبان سهام ارتباطی معکوس و معنادار وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی به شرح زیر هستند:

فرضیه ۱. بین تخصص حسابرس در صنعت و هزینه حقوق صاحبان سهام ارتباطی معنادار وجود دارد.

فرضیه ۲. بین دوره تصدی حسابرس و هزینه حقوق صاحبان سهام ارتباطی معنادار وجود دارد.

فرضیه ۳. بین استقلال حسابرس و هزینه حقوق صاحبان سهام ارتباطی معنادار وجود دارد.

فرضیه ۴. بین اندازه مؤسسه حسابرسی و هزینه حقوق صاحبان سهام ارتباطی معنادار وجود دارد.

روش تحقیق

این پژوهش از نظر ماهیت و محتوایی از نوع همبستگی و از نظر هدف کاربردی است. انجام پژوهش در چارچوب استدلال‌های قیاسی - استقرایی انجام می‌گیرد؛ به این معنا که مبانی نظری و پیشینه پژوهش از راه کتابخانه‌ای، مجلات و سایر سایت‌های معتبر در قالب قیاسی، و گردآوری داده‌ها برای تأیید و رد فرضیه‌ها از راه استقرایی انجام می‌شود. به دلیل نوع داده‌های مورد مطالعه، مقایسه همزمان داده‌های مقطعی و طولی از روش الگوهای داده‌های ترکیبی (پانل دیتا)، برای برآورد ضرایب و آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است. ابتدا برای تعیین روش به کارگیری داده‌های ترکیبی و تشخیص همگن یا ناهمگن بودن آن‌ها از آزمون چاو استفاده شده است. فرضیه‌های آماری این آزمون به شرح زیر است:

$$H_0 = \text{Pooled Data}$$

$$H_1 = \text{Panel Data}$$

در این آزمون، فرض صفر مبنی بر همگن بودن داده‌ها است و در صورت تأیید، باید کلیه داده‌ها را با یکدیگر ترکیب کرد و از طریق یک رگرسیون کلاسیک، تخمین پارامترها را انجام داد؛ در غیر این صورت، باید داده‌ها را به صورت داده‌های پانلی در نظر گرفت. در صورتی که نتایج این آزمون مبنی بر به کارگیری داده‌ها به صورت داده‌های پانلی شود، باید برای

تخمین مدل پژوهش از یکی از مدل‌های اثرات ثابت یا اثرات تصادفی استفاده شود. برای انتخاب یکی از دو مدل باید آزمون هاسمن اجرا شود. فرض صفر آزمون هاسمن، مبنی بر مناسب بودن مدل اثرات تصادفی برای تخمین مدل‌های رگرسیونی داده‌های تابلویی است.

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. دوره زمانی پژوهش از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ در نظر گرفته شده است. همچنین، در این پژوهش، نمونه‌ای به حجم ۸۰ شرکت براساس معیارهای زیر از جامعه آماری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انتخاب شده است:

الف - باتوجه به دوره زمانی دسترسی به اطلاعات (۱۳۹۵-۱۳۹۰)، شرکت قبل از سال ۱۳۹۰ در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد و نام آن تا پایان سال ۱۳۹۵ از فهرست شرکت‌های مذکور حذف نشده باشد؛

ب - به منظور افزایش توان همسنجی و همسان سازی شرایط شرکت‌های انتخابی، سال مالی شرکت‌ها باید به پایان اسفند ماه هر سال منتهی شود؛

پ - به دلیل شفاف نبودن مرزبندی بین فعالیت‌های عملیاتی و تأمین مالی شرکت‌های مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی و ...)، این شرکت‌ها از نمونه حذف شده‌اند؛

ت - شرکت‌هایی که اطلاعات آن‌ها برای محاسبه متغیرهای اولیه صورت‌های مالی ناقص بوده‌اند، از نمونه حذف شده‌اند؛

ث - شرکت‌ها نباید توقف فعالیت داشته و دوره فعالیت خود را تغییر داده باشند.

متغیرها و مدل‌های پژوهش

متغیر وابسته

نسبت سود به قیمت سهام شرکت z در سال t به میانه سود به قیمت صنعت است که از میانه سود به قیمت شرکت‌های هر صنعت در نمونه مورد بررسی به دست می‌آید. این نسبت شاخص اندازه‌گیری متغیر وابسته پژوهش، یعنی

هزینه حقوق صاحبان سهام است. (عزیزخانی و همکاران، ۲۰۱۵؛ حاجیها و سبحانی، ۱۳۹۲)

متغیرهای مستقل

در این پژوهش، متغیرهای مستقل به شرح زیر هستند:

تخصص حسابرسی در صنعت: در این پژوهش سهم بازار شاخصی است که برای اندازه گیری تخصص حسابرسی در صنعت استفاده می شود؛ زیرا اولویت صنعت را نسبت به سایر حسابرسان نشان می دهد (عزیزخانی و همکاران، ۲۰۱۵). هرچه سهم بازار حسابرسی بیشتر باشد، تخصص صنعت و تجربه حسابرسی نسبت به سایر رقبا بالاتر است. همچنین، داشتن سهم بالای بازار به این نکته اشاره دارد که حسابرسی به طور موفقیت آمیزی خودش را از سایر رقبا از لحاظ کیفیت حسابرسی متمایز می کند. به علاوه، تخصص حسابرسی در صنعت براساس پژوهش های سان^۱ و لیو^۲ (۲۰۱۳)، اعتمادی و همکاران (۱۳۸۸) و بادآور نهندی و تقی زاده خانقاه (۱۳۹۲) از تقسیم مجموع دارایی های کارفرمایان آن صنعت به دست می آید. این متغیر فقط برای اندازه گیری تخصص حسابرسی در یک صنعت مشخص به کار می رود و مستقل از ویژگی اندازه شرکت مورد حسابرسی است.

دوره تصدی حسابرسی: تعداد سال هایی که حسابرسی به استخدام واحد مورد حسابرسی درآمده است (کرباسی یزدی و همکاران، ۱۳۹۳). برای اندازه گیری صحیح دوره تصدی باید سالی در دسترس باشد که در آن حسابرسی به استخدام واحد تجاری درآمده است. تعیین این تاریخ برای شرکت هایی که طی دوره زمانی پژوهش حسابرسی خود را تغییر داده اند، مشکل نیست، اما برای شرکت هایی که در کل دوره پژوهش از یک حسابرسی استفاده کرده اند، تعیین سال اول شروع کار حسابرسی با توجه به اطلاعات در دسترس ممکن نیست. به این دلیل برای حداقل کردن تأثیرات هرگونه خطای اندازه گیری، مبنای سال اندازه گیری دوره تصدی از دو سال قبل از شروع دوره پژوهش در نظر گرفته می شود.

استقلال حسابرسی: در این پژوهش برای اندازه گیری استقلال حسابرسی از مدیریت سود (اقدام تعهدی اختیاری) به منزله شاخصی معکوس از کیفیت حسابرسی استفاده شده است. از آن جا که اقدام تعهدی اختیاری، در اختیار و قابل اعمال نظر از سوی مدیریت است، از آن به عنوان شاخصی در کشف مدیریت سود استفاده می شود (مشایخی و همکاران، ۱۳۸۴؛ بادآور نهندی و تقی زاده خانقاه، ۱۳۹۲). در این پژوهش برای اندازه گیری میزان مدیریت سود از مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۵) استفاده شده است.

$$TA_{it} / A_{it-1} = \beta_1 (1 / A_{it-1}) + \beta_2 (\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it} / A_{it-1}) + \beta_3 (PPE_{it} / A_{it-1}) + \varepsilon_{it}$$

در این رابطه TA معرف مجموع اقلام تعهدی، A مجموع دارایی ها، REV مجموع درآمد فروش، REC خالص حساب های دریافتنی و PPE اموال، ماشین آلات و تجهیزات ناخالص است.

اندازه مؤسسه حسابرسی: در این پژوهش، برای محاسبه اندازه مؤسسه حسابرسی به این شیوه عمل می کنیم که اگر سازمان حسابرسی واحد مورد رسیدگی را حسابرسی کرده باشد، از عدد یک، در غیر این صورت از عدد صفر استفاده می کنیم.

متغیرهای کنترل

در این پژوهش به پیروی از پژوهش عزیزخانی و همکاران (۲۰۱۵) از متغیرهای زیر به عنوان متغیرهای کنترل استفاده شده است:

اهرم مالی: از محاسبه نسبت کل بدهی به کل دارایی محاسبه می شود.

مخاطره سیستماتیک: روش معمول اندازه گیری ریسک سیستماتیک شرکت، استفاده از مدل قیمت گذاری دارایی سرمایه ای است. همان طور که اشاره شد، این

Cost of Equity_{it}: هزینه حقوق صاحبان سهام؛ Spec_{it}: تخصص حسابرِس در صنعت؛ Tenure_{it}: دوره تصدی حسابرِس؛ Inde_{it}: استقلال حسابرِس؛ Big4_{it}: اندازه مؤسسه حسابرِسی؛ Risk_{it}: مخاطره سیستماتیک؛ Lev_{it}: اهرم مالی؛ Size_{it}: اندازه شرکت؛ RoA_{it}: نرخ بازده دارایی؛ EQ_{it}: کیفیت سود.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

سطح معناداری برای تک‌تک متغیرها و نیز برای کل مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد محاسبه شده است. با توجه به ضریب تبیین تعدیل‌شده مدل برازش‌شده فرضیه اول و دوم، می‌توان ادعا کرد که حدود ۲۴ و ۲۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته از طریق متغیرهای مستقل و کنترل توضیح داده می‌شود. خودهمبستگی نقض یکی از فرض‌های استاندارد الگوی رگرسیون است و از آماره دوربین-واتسون می‌توان برای تعیین بود و نبود خودهمبستگی در الگوی رگرسیون استفاده کرد. آماره دوربین-واتسون محاسبه‌شده برای فرضیه اول و دوم (۱/۹۶ و ۱/۹۶) که بین ۲/۵-۱/۵ است، بیان‌گر عدم وجود خودهمبستگی است و استقلال باقیمانده‌های اجزای خطا را نشان می‌دهد.

همان‌طور که در نگاره ۱ مشاهده می‌شود، سطح معناداری برای متغیر تخصص حسابرِس و دوره تصدی حسابرِس از سطح خطای ۵ درصد کمتر است و وجود ارتباط معکوس و معنادار بین تخصص حسابرِس با هزینه حقوق صاحبان سهام و معکوس و معنادار بین دوره تصدی حسابرِس با هزینه حقوق صاحبان سهام تأیید و فرضیه اول و دوم پژوهش پذیرفته می‌شود. از بین متغیرهای کنترل، مخاطره سیستماتیک، اندازه شرکت و نرخ بازده دارایی، به ترتیب ارتباط معکوس، مستقیم و مستقیم معنادار و اهرم مالی و کیفیت سود فاقد ارتباط معنادار با هزینه حقوق صاحبان سهام است.

مدل ازسویشارپ (۱۹۶۴) و لیتنر (۱۹۶۵) و در ادامه مدل مارکوویتز (۱۹۵۲) مطرح شد.

$$\text{Beta} = \beta = r_{im} \cdot S_m \cdot S_i / S_m^2$$

اندازه شرکت: از لگاریتم مجموع دارایی‌های شرکت محاسبه می‌شود (عزیزخانی و همکاران، ۲۰۱۵؛ حاجیها و چناری، ۱۳۹۴).

نرخ بازده دارایی: از نسبت سود خالص بر کل دارایی محاسبه می‌شود (عزیزخانی و همکاران، ۲۰۱۵؛ حاجیها و چناری، ۱۳۹۴).

کیفیت سود: از نسبت جریان‌های نقد عملیاتی به سود خالص استفاده شده است. این معیار کیفیت سود براساس این باور است که هرچه نقدشوندگی سود بیشتر باشد کیفیت آن بالاتر است. این نسبت در مقابل دست‌کاری جریان‌های نقد عملیاتی حساسیت دارد و برخی مسایل را در تصمیم‌های تجاری لحاظ نمی‌کند؛ مثل در وثیقه قرار دادن یا تبدیل به اوراق بهادار کردن مطالبات برای دستیابی سریع به جریان‌های نقدی (عزیزخانی و همکاران، ۲۰۱۵؛ حجازی و همکاران، ۲۰۱۱).

با توجه به متغیرهای پژوهش، مدل پژوهش به صورت زیر است:

$$\text{Cost of Equity}_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{Spec}_{it} + \alpha_2 \text{Risk}_{it} + \alpha_3 \text{Lev}_{it} + \alpha_4 \text{Size}_{it} + \alpha_5 \text{RoA}_{it} + \alpha_6 \text{EQ}_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$\text{Cost of Equity}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{Tenure}_{it} + \beta_2 \text{Risk}_{it} + \beta_3 \text{Lev}_{it} + \beta_4 \text{Size}_{it} + \beta_5 \text{RoA}_{it} + \beta_6 \text{EQ}_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$\text{Cost of Equity}_{it} = \lambda_0 + \lambda_1 \text{Inde}_{it} + \lambda_2 \text{Risk}_{it} + \lambda_3 \text{Lev}_{it} + \lambda_4 \text{Size}_{it} + \lambda_5 \text{RoA}_{it} + \lambda_6 \text{EQ}_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$\text{Cost of Equity}_{it} = \gamma_0 + \gamma_1 \text{Big4}_{it} + \gamma_2 \text{Risk}_{it} + \gamma_3 \text{Lev}_{it} + \gamma_4 \text{Size}_{it} + \gamma_5 \text{RoA}_{it} + \gamma_6 \text{EQ}_{it} + \varepsilon_{it}$$

یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌های اول و دوم پژوهش به شرح زیر است:

جدول (۱): یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌های اول و دوم پژوهش

متغیر	آماره آزمون	سطح معناداری	متغیر	آماره آزمون	سطح معناداری
مقدار ثابت	-۲/۰۰۴۶۸۴	۰/۰۴۵۷	مقدار ثابت	-۴/۱۷۵۶۴۳	۰/۰۰۰۰
تخصص حسابرسی	-۲/۳۱۹۳۷۰	۰/۰۲۰۹	دوره تصدی حسابرسی	-۲/۳۵۶۳۹۵	۰/۰۱۹۱
مخاطره سیستماتیک	-۲/۵۶۶۶۸۷	۰/۰۱۰۶	مخاطره سیستماتیک	-۳/۱۰۷۹۵۸	۰/۰۱۴۱
اهرم مالی	-۰/۰۸۹۶۳۰	۰/۹۲۸۶	اهرم مالی	-۰/۳۸۴۸۹۹	۰/۷۰۰۶
اندازه شرکت	۲/۲۱۹۸۳۷	۰/۰۳۷۰	اندازه شرکت	۴/۱۷۰۱۴۶	۰/۰۰۰۰
نرخ بازده دارایی	۲/۸۵۷۶۴۸	۰/۰۴۴۰	نرخ بازده دارایی	۳/۴۹۱۰۰۲	۰/۰۲۳۸
کیفیت سود	-۰/۲۱۲۲۵۴	۰/۸۳۲۰	کیفیت سود	-۰/۵۸۰۱۰۵	۰/۵۶۳۳
ضریب تبیین: ۰/۳۰۹۳۵۲			ضریب تبیین: ۰/۳۸۸۵۸۵		
ضریب تبیین تعدیل شده: ۰/۲۴۸۷۱۰			ضریب تبیین تعدیل شده: ۰/۲۸۵۳۹۸		
آماره آزمون: ۲/۷۱۷۳۰۶			آماره آزمون: ۲/۴۷۴۲۵۸		
سطح معناداری: ۰/۰۰۰۰			سطح معناداری: ۰/۰۰۰۰		
آماره آزمون چاو: ۶/۰۲۲۸۶۱			آماره آزمون چاو: ۵/۳۰۰۲۰۰		
سطح معناداری: ۰/۰۰۰۰			سطح معناداری: ۰/۰۰۰۰		
آماره آزمون هاسمن: ۱۱/۲۱۱۲۵۳			آماره آزمون هاسمن: ۱۰/۶۶۱۸۰۷		
سطح معناداری: ۰/۰۰۰۰			سطح معناداری: ۰/۰۰۰۰		
آماره دوربین - واتسون: ۱/۹۲۵۵۳۷			آماره دوربین - واتسون: ۱/۹۶۵۴۳۰		

یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌های سوم و چهارم پژوهش به شرح زیر است:

جدول (۲): یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌های سوم و چهارم پژوهش

متغیر	آماره آزمون	سطح معناداری	متغیر	آماره آزمون	سطح معناداری
مقدار ثابت	۴/۳۹۹۳۵۷	۰/۰۰۰۰	مقدار ثابت	۴/۳۲۹۶۸۰	۰/۰۰۰۰
استقلال حسابرسی	۴/۴۹۹۰۴۹	۰/۰۰۰۰	اندازه موسسه حسابرسی	-۳/۵۸۱۰۱۲	۰/۰۲۱۶
مخاطره سیستماتیک	-۴/۷۲۳۶۶۴	۰/۰۰۰۰	مخاطره سیستماتیک	-۴/۳۸۰۸۳۹	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	۰/۳۹۷۹۶۸	۰/۷۶۵۹	اهرم مالی	-۰/۰۷۰۶۳۵	۰/۹۴۳۷
اندازه شرکت	۴/۲۱۷۳۰۵	۰/۰۰۰۰	اندازه شرکت	۴/۳۶۸۳۲۹	۰/۰۰۰۰
نرخ بازده دارایی	۳/۱۸۱۱۷	۰/۰۰۰۰	نرخ بازده دارایی	۳/۳۳۴۵۵۱	۰/۰۰۰۰
کیفیت سود	۰/۰۵۳۴۷۹	۰/۹۵۷۴	کیفیت سود	-۰/۱۳۳۳۵۶	۰/۸۹۴۰
ضریب تبیین: ۰/۳۹۷۶۱۰			ضریب تبیین: ۰/۳۷۲۴۹۴		
ضریب تبیین تعدیل شده: ۰/۳۱۶۰۶۶			ضریب تبیین تعدیل شده: ۰/۳۲۰۸۷۳		
آماره آزمون: ۵/۸۱۵۱۶۱			آماره آزمون: ۵/۵۰۶۸۵۳		
سطح معناداری: ۰/۰۰۰۰			سطح معناداری: ۰/۰۰۰۰		
آماره آزمون چاو: ۱۰/۸۵۹۵۶۸			آماره آزمون چاو: ۶/۷۹۹۴۹۶		
سطح معناداری: ۰/۰۰۰۰			سطح معناداری: ۰/۰۰۰۰		
آماره آزمون هاسمن: ۱۵/۲۳۵۴۱۰۹			آماره آزمون هاسمن: ۱۲/۷۹۳۵۹۵۵		
سطح معناداری: ۰/۰۰۰۰			سطح معناداری: ۰/۰۰۰۰		
آماره دوربین - واتسون: ۱/۶۶۱۶۰۴			آماره دوربین - واتسون: ۱/۷۸۸۰۹۲		

در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. از معیارهای تخصص حسابرِس در صنعت، دوره تصدی حسابرِس، استقلال حسابرِس و اندازه مؤسسه حسابرِس برای ارزیابی کیفیت حسابرِس و برای ارزیابی هزینه حقوق صاحبان سهام از معیار نسبت سود به قیمت سهام شرکت ز در سال t به میانه سود به قیمت صنعت که از میانه سود به قیمت شرکت‌های هر صنعت در نمونه مورد بررسی به دست می‌آید، استفاده شده است. برای دستیابی به اهداف پژوهش، چهار فرضیه تدوین شده است.

یافته‌های حاصل از فرضیه اول پژوهش نشان می‌دهد که بین تخصص حسابرِس در صنعت و هزینه حقوق صاحبان سهام ارتباطی معکوس و معنادار وجود دارد. به عبارتی، با افزایش تخصص حسابرِس در صنعت هزینه حقوق صاحبان سهام کاهش می‌یابد. به این معنا که شرکت‌هایی که از حسابرسان متخصص در صنعت استفاده می‌کنند، هزینه سرمایه کمتری نسبت به شرکت‌هایی که از حسابرسان متخصص استفاده نمی‌کنند، دارند. حسابرسانی که در صنعت مورد نظر تخصص دارند، به علت داشتن توانایی بیشتر در شناسایی و برخورد با مشکلات ویژه آن صنعت، می‌توانند حسابرسی را با کیفیت بالاتری انجام دهند. یافته‌های حاصل از فرضیه دوم پژوهش نشان می‌دهد که بین دوره تصدی حسابرِس و هزینه حقوق صاحبان سهام ارتباطی معکوس و معنادار وجود دارد. به عبارتی، تداوم همکاری مؤسسه حسابرِس با صاحب کار، به ارتقای کیفیت حسابرِس در ایران منتهی می‌شود و در نتیجه، شرکت‌هایی که ارتباط خود را با مؤسسه حسابرِس برای سال‌های متوالی (طبق قوانین ایران ۴ سال) حفظ می‌کنند، متحمل هزینه سرمایه کمتری نسبت به سایر شرکت‌ها می‌شوند.

یافته‌های حاصل از فرضیه سوم پژوهش نشان می‌دهد که بین دوره استقلال حسابرِس و هزینه حقوق صاحبان سهام ارتباطی مستقیم و معنادار وجود دارد. باتوجه به اینکه برای استقلال حسابرِس از مدیریت سود به عنوان شاخص معکوس کیفیت حسابرِس استفاده می‌شود، با افزایش استقلال حسابرِس، هزینه حقوق صاحبان سهام کاهش

سطح معناداری برای تک تک متغیرها و نیز برای کل مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد محاسبه شده است. باتوجه به ضریب تبیین تعدیل‌شده مدل برازش‌شده فرضیه سوم و چهارم، می‌توان ادعا کرد که حدود ۳۱ و ۳۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته از طریق متغیرهای مستقل و کنترل توضیح داده می‌شود. خودهمبستگی نقض یکی از فرض‌های استاندارد الگوی رگرسیون است و از آماره دوربین-واتسون می‌توان برای تعیین بود و نبود خودهمبستگی در الگوی رگرسیون استفاده کرد. آماره دوربین - واتسون محاسبه شده برای فرضیه سوم و چهارم (۱/۶۶ و ۱/۷۸) که بین ۲/۵-۱/۵ است، بیان گر عدم وجود خودهمبستگی است و استقلال باقیمانده‌های اجزای خطا را نشان می‌دهد.

همان‌طور که در نگاره ۲ مشاهده می‌شود، سطح معناداری برای متغیر استقلال حسابرِس و اندازه مؤسسه حسابرِس از سطح خطای ۵ درصد کمتر است و وجود ارتباط مستقیم و معنادار بین استقلال حسابرِس با هزینه حقوق صاحبان سهام و معکوس و معنادار بین اندازه مؤسسه حسابرِس با هزینه حقوق صاحبان سهام تأیید می‌شود و فرضیه سوم و چهارم پژوهش پذیرفته می‌شود. از بین متغیرهای کنترل، مخاطره سیستماتیک، اندازه شرکت و نرخ بازده دارایی، به ترتیب ارتباط معکوس، مستقیم و مستقیم معنادار و اهرم مالی و کیفیت سود فاقد ارتباط معنادار با هزینه حقوق صاحبان سهام است.

نتیجه‌گیری

از دیدگاه هنجاری (دستوری)، کیفیت حسابرِس اغلب به شکل برخورداری از استقلال، صلاحیت حرفه‌ای، تردید حرفه‌ای، برنامه‌ریزی و سرپرستی مناسب کار حسابرِس و مواردی مشابه تعریف می‌شود. با این حال، از دیدگاه توصیفی، صاحب نظران عواملی مانند تخصص حسابرِس در یک صنعت خاص، شهرت حسابرِس، عضویت حسابرِس در مجامع حرفه‌ای، حق الزحمه حسابرِس، اندازه مؤسسه حسابرِس، نتایج هم‌پیشگان و سایر موارد مشابه را نیز به عنوان کیفیت حسابرِس در نظر می‌گیرند. هدف این پژوهش، بررسی ارتباط بین کیفیت حسابرِس و هزینه حقوق صاحبان سهام

پاکروان، لقمان. ۱۳۹۰. «استقلال در حسابرسی»، نشریه حسابرسی ۵۴.

حاجیه، زهره و چناری، حسن. ۱۳۹۴. «ارتباط دقت پیش‌بینی سود مدیریت و چرخش مدیران ارشد»، مجله دانش حسابداری ۲۰(۲)، ۱۶۹-۱۴۷.

حاجیه، زهره و سبحانی، ندا. ۱۳۹۲. «بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر هزینه سرمایه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران»، مجله دانش حسابداری ۲۰(۴)، ۱۴۶-۱۲۹.

خدامی‌پور، احمد؛ محمدرضاخانی، وحید؛ هوشمند زعفرانی، رحمت‌اله. ۱۳۹۲. «بررسی تأثیر ویژگی‌های کیفی حسابرسی بر هزینه حقوق صاحبان سهام»، فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی ۲۰(۴)، ۱۳۱-۱۰۸.

سجادی، سیدحسین و ناصح، لادن. ۱۳۸۲. «سودمندی حسابرسی مستقل صورت‌های مالی»، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی ۱۰(۳)، ۹۱-۶۵.

عرب‌صالحی، مهدی؛ کاظمی، جواد؛ ذوالفعلی‌زاده، مهرداد. ۱۳۹۰. «بررسی رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی از دیدگاه قرارداد روانی و تعهدات عاطفی سازمانی»، مجله دانش حسابداری ۲۰(۵)، ۱۴۷-۱۲۷.

علوی‌طبری، سیدحسین و بذرافشان، آمنه. ۱۳۹۲. «کیفیت سود: شواهدی از نقش دوره تصدی حسابرسی و تخصص در صنعت» فصلنامه دانش حسابرسی، ۲(۷)، ۱۰۱-۹۱.

کریاسی یزدی، حسین؛ نوری‌فرد، یداله؛ چناری، حسن. ۱۳۹۳. «بررسی ارتباط دوره تصدی حسابرسی با محافظه‌کاری در سودهای گزارش‌شده»، فصلنامه دانش حسابرسی ۱۴(۵۵)، ۱۱۲-۹۵.

محمودی خاتمی، مرجان. ۱۳۹۰. «بررسی ارتباط کیفیت سود و هزینه سرمایه»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.

مرادزاده‌فرد، مهدی؛ عدیلی، مجتبی؛ ابراهیمیان، سیدجواد. ۱۳۹۱. «کیفیت حسابرسی، کیفیت سود و هزینه حقوق صاحبان سهام»، پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی ۴(۱۴)، ۱۱۰-۹۱.

می‌یابد؛ به‌طوری‌که هرچه حسابرسی بیشتر مستقل باشد، به ارتقای کیفیت حسابرسی منجر می‌شود.

یافته‌های حاصل از فرضیه چهارم پژوهش نشان می‌دهد که بین اندازه مؤسسه حسابرسی و هزینه حقوق صاحبان سهام ارتباطی معکوس و معنادار وجود دارد. باتوجه به محیط اقتصادی ایران به دلیل این که فقط سازمان حسابرسی به عنوان مؤسسه حسابرسی بزرگ در پژوهش‌ها در نظر گرفته می‌شود و نیز باتوجه به ساختار شبه‌دولتی آن، می‌توان بیان کرد که با افزایش اندازه مؤسسه حسابرسی، هزینه حقوق صاحبان سهام کاهش می‌یابد. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش با یافته‌های حاصل از پژوهش‌های عزیزخانی و همکاران (۲۰۱۵)، کریشنان و همکاران (۲۰۱۳)، فرناندو و همکاران (۲۰۱۰)، و حاجیه و سبحانی (۱۳۹۲) سازگار است.

باتوجه به نتایج حاصل از پژوهش فوق، پیشنهاد می‌شود: الف- باتوجه به این که افزایش کیفیت حسابرسی به کاهش هزینه حقوق صاحبان سهام منجر می‌شود، به نهادهای مجری دوره‌های آموزشی حسابرسی، مانند جامعه حسابداران رسمی پیشنهاد می‌شود در راستای ارتقای هرچه بیشتر حسابرسان، اقدام‌های مؤثری اتخاذ کنند؛

ب- باتوجه به اینکه کیفیت بالای حسابرسی به کاهش مخاطره اطلاعاتی می‌انجامد، می‌تواند به افزایش قیمت سهام منجر شود. بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، ارتباط کیفیت حسابرسی و قیمت‌گذاری سهام مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

فهرست منابع

اعتمادی، حسین؛ محمدی، امیر؛ ناظمی اردکانی، مهدی. ۱۳۸۸. «بررسی رابطه بین تخصص صنعت حسابرسی و کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران»، پژوهش‌های حسابداری مالی ۱۱(۱ و ۲)، ۳۲-۱۷.

بادآور نهندي، یونس و تقی‌زاده خانقاه، وحید. ۱۳۹۲. «بررسی ارتباط بین کیفیت حسابرسی و کارایی سرمایه‌گذاری»، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی ۲۰(۲)، ۴۲-۱۹.

- and Finance 9(4), 363-381.
- Fernando, G.D.; Elder, R.J.; Abdel-Meguid, A.M. 2008."Audit Quality Attributes, Client Size and Cost of Capital", <http://ssrn.com/abstract=817286>.
- Gul, F. A.; Fung, S.Y.K.; Jaggi, B. 2009."Earnings Quality: Some Evidence on the Role of Auditor Tenure and Auditors Industry Expertise", *Journal of Accounting and Economics* 47, 265-287.
- Hejazi, R.; Ansari, Z.; Sarikhani, M.; Ebrahimi, F. 2011."The Impact of Earnings Quality and Income Smoothing on the Performance of Companies Listed in Tehran Stock Exchange", *International Journal of Business and Social Science* 2(17), 193-197.
- Jensen, M. and Meckling, W. 1976."Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Costs and Ownership Structure", *Journal of Financial Economics* 3(4), 305-360.
- Karjalainen, J. 2010. "Audit Quality and Cost of Debt Capital for Private Firms: Evidence from Finland", available at: <http://ssrn.com/abstract=1482939>.
- Kend, M. 2008. "Client Industry Audit Expertise: Towards a Better Understanding", *Pacific Accounting Review* 20, 49-62.
- Khurana, I. and Raman, K. 2004. "Litigation Risk and the Financial Reporting Credibility of Big 4 versus Non-Big 4 Audits: Evidence from Anglo-American Countries", *The Accounting Review* 79(2), 473-495.
- Krishnan, J.; Li, C.; Wang, Q. 2013. "Auditor Industry Expertise and Cost of Equity", *Accounting Horizons* 27(4), 667-691.
- مشایخی، بی‌تا؛ مهرانی، ساسان؛ کاوه؛ کرمی، غلامرضا. ۱۳۸۸. «نقش اقلام تعهدی اختیاری در مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۲(۴)، ۶۱-۷۴.
- Ahmed, A. S.; Stephanie, J.R.; Tse, S. 2008."Audit Quality, Alternative Monitoring Mechanisms, and Cost of Capital: An Empirical Analysis", http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1124082
- Azizkhani, M.; Monroe, G.S.; Shailer, G. 2015."Audit Partner Tenure and Cost of Equity Capital", *Auditing: A Journal of Practice & Theory* 32(1), 183-202.
- Balsam, S.; Krishnan, J.; Yang, J. S. 2003. "Auditor industry specialization and earnings quality". *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 22 (2), 71-97.
- Chen, H.; Chen, J.; Lobo, G. 2009."Effects of Audit Quality on Earnings Management and Cost of Equity Capital: Evidence from China", from <http://ssrn.com>.
- Chow, C. 1982. "The Demand for External Auditing: Size, Debt and Ownership Influences", *The Accounting Review* 57(2), 272-290.
- Fernando, G.D. 2007. *The Impact of Audit Quality on Cash Incentive Compensation and Cost of Capital* (A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy in Business Administration in the Graduate School of Syracuse University), <http://proquest.umi.com/3295518>
- Fernando, G. D.; Abdel-Meguid, A.M.; Elder, R. J. 2010."Audit Quality Attributes, Client Size and Cost of Equity Capital", *Review of Accounting*

- Markowitz, H. (1952). "Porttolio Selection", *Journal of finance*, 7, 105-115.
- Mautz R.; Sharaf, H. (1961). "The Philosophy of Auditing", (American Accounting Association).
- Sharpe, W.F, 1964. "Capital asset prices: A theory of market equilibrium under conditions of risk", *Journal of Finance*, 19, 425-442.
- Skinner, D.J. and Srinivasan, S. 2011. "Audit Quality and Auditor Reputation: Evidence from Japan", available at: <http://ssrn.com/abstract=1557231>.
- Stokes, D.; Li, Y.; Taylor, S.; Wong, L. 2009. "Audit Quality, Accounting Attributes and the Cost of Equity Capital", <http://ssrn.com/abstract=1481823>.
- Sun, J. and Liu, G. 2013. "Auditor Industry Specialization, Board Governance, and Earnings Management", *Managerial Auditing Journal* 28(1), 45-64.
- Kwong, J. 2011. "The Relationship between Industry Specialization and the Audit Fee Premium in New Zealand", *International Journal of Business and Social Science* 2(4), 260-278.
- Lambert, R. 2001. "Contracting Theory and Accounting", *Journal of Accounting and Economics* 32(1-3), 3-87.
- Li, D. 2010. "Does Auditor Tenure Affect Accounting Conservatism?", *Journal of Accounting: Public Policy* 29(2), 226-241.
- Lintner, J. (1965). "Security Prices, Risk and Maximal Gains from Diversification", *Journal of Finance*, 20 (4), 587 -615.
- Meyer, M. J.; Rigs, John T. 2007. "The Impact of Auditor-Client Relationships on the Reversal of First Time Audit Qualifications", *Managerial Auditing Journal*, 53-65.

